



« شهید مفتاح به روایت همسر »

مبنای رفتار او با خانواده اعتماد بود...

شهید مطهری از نظر دوره تحصیلی حوزوی مقدم بر شهید مفتاح بودند و البته در درس حضرت امام (ره) و آیت الله بروجردی و جلسات خصوصی علامه طباطبایی (ره) ارتباطشان برقرار بود و این رابطه پس از انتقال اجباری شهید مفتاح به تهران، با دعوت شهید مطهری از ایشان برای تدریس در دانشکده الهیات، بیشتر شد به طوری که در ده سال آخر عمر ایشان، شهید مطهری از نزدیک‌ترین دوستان شهید مفتاح بودند و در همه مسائل علمی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی همگام و همراه بودند و در قضیه تأسیس جامعه روحانیت مبارز تهران و شورای انقلاب نیز این همدلی ادامه پیدا کرد.

شهید باهنر از نظر دوره تحصیلی حوزوی متأخر از شهید مفتاح بودند. البته ارتباطات دوستانه و همکاری‌های سیاسی و مبارزاتی ایشان با شهید مفتاح از همان دوران اقامت در قم برقرار بود و پس از انتقال به تهران این رابطه قوی‌تری شد که او آج در جریانات مربوط به انقلاب بود و در نماز عید فطر ۵۷ تجلی پیدا کرد. در آن اوضاع خطرناک، شهید مفتاح از شهید باهنر برای سخنرانی در نماز عید فطر تهیه‌های قیصر به دعوت کردند و نماز عید فطر به امامت شهید مفتاح و سخنرانی شهید باهنر برگزار شد که نقطه عطف انقلاب و نهضت اسلامی ایران بود. در شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز و شورای انقلاب نیز همکاری‌های ایشان و شهید باهنر ادامه داشت.

تألیف اصلی شهید مفتاح که زحمت زیادی برای آن کشیده بودند و اهتمام فراوانی به آن داشتند، شرحی بود بر کتاب اسفار ملاصدرا که پیش از انقلاب، رژیم اجاره چاپ آن را نمی‌داد و لذا شهید مفتاح با پیشنهاد امام موسی صدر به چاپ آن در مصر اقدام کردند. البته این مسئله با او جکیریه نهضت ناتمام ماند و بعدها با مفقود شدن امام موسی صدر و شهادت شهید مفتاح و قطع رابطه رسمی با کشور مصر، ما هیچ‌گونه نشانه‌ای از چاپخانه و ناشر مصری مسئول چاپ آن کتاب به دست نیاوردیم. خصوصاً که سفرهای پیش از انقلاب شهید مفتاح به لبنان و مصر با توجه به حساسیتهای رژیم شاه نسبت به ایشان، با نام مستعار صورت می‌گرفت و البته با دستیابی به نسخه‌های پیش نویس این کتاب نسبت به تنظیم و انتشار آن اقدام شده است.

سایر تألیفات ایشان عبارتند از: شرح منظومه منطق حاج ملاهادی سبزواری به نام «روش اندیشه» و نیز کتابهای «آیات اصول اعتقادی قرآن»، «حکمت الهی در نهج البلاغه»، «مکتب اخلاقی امام صادق (ع)»، «نقش دانشمندان اسلام در پیشرفت علوم» و...

حساسیت فراوان شهید مفتاح در رسیدگی به خواسته‌ها و مشکلات کسانی که به ایشان مراجعه می‌کردند، چشمگیر بود به طوری که بارها اتفاق می‌افتاد که ایشان پس از یک روز، سراسر تلاش و فعالیت (خصوصاً بعد از انقلاب) وقتی شب به خانه می‌آمدند و زمان استراحت ایشان بود، نمی‌گذاشتند لحظه‌ای تلفن منزل قطع باشد و اگر متوجه می‌شدند که فرزندانشان برای رعایت حال ایشان تلفن را قطع کرده‌اند، به سرعت آن را وصل می‌کردند و می‌گفتند تا کسی نیاز به من نداشته باشد در این ساعت از شب تلفن نمی‌کند. مهم‌ترین خصلیتی که در خانواده و بستگان از خصوصیات بارز ایشان تلقی می‌شد، جدیت در کارها و خستگی‌ناپذیری در فعالیتها، همراه با شجاعت و دلیری در امور سیاسی و مبارزاتی بود. پشتکار ایشان در رسیدن به اهدافشان تا آن حد بود که در میان دوستانشان معروف بود که: «ناممکن برای آقای مفتاح وجود ندارد.»

نمی‌نگریستند. درباره تعیین مهریه نیز می‌گفتند چون ما الگوی جامعه هستیم، نباید مبنایی بگذاریم که دیگران نیز عمل کنند و به سختی نینقتند. یادم می‌آید در جلسه خواستگاری یکی از دخترانم، خانواده داماد اصرار داشتند که مقدار مهریه زیاد باشد، ولی ایشان که از رضایت دخترم خاطرشان جمع بود، مقدار مهریه را در حد متوسط آن روز تعیین کردند.

شهید مفتاح به شدت به صلۀ رحم التزام عملی داشتند، به طوری که از همه نظر به خانواده، فامیل و پدر و مادرشان رسیدگی می‌کردند. احترام فوق‌العاده ایشان نسبت به پدر و مادرشان برای همه بستگان آموزنده بود. بر خوردهای عاطفی و منطقی و اسلامی ایشان موجب شده بود که ایشان به عنوان پناه فامیل مطرح باشند، به نحوی که همه در تمام مشکلات و نیازهای فکری و روحی به ایشان پناه می‌بردند.

شهید مفتاح در کنار تحصیل و تدریس در حوزه تا درجۀ اجتهاد، به تحصیلات جدید نیز پرداختند و پس از اخذ دیپلم به دانشگاه رفتند و علوم دانشگاهی را نیز تا بالاترین درجه (دکترا) در رشته فلسفه آموختند. البته تحصیلات حوزوی ایشان نیز تنها به فقه و اصول منحصر نبود، بلکه عمده تلاش ایشان بر علوم معقول (فلسفه، منطق، عرفان) متمرکز می‌شد، به طوری که ایشان علاوه بر تدریس فلسفه، استاد برجسته منطق در حوزه علمیه قم نیز بودند. در کنار تحصیل و تدریس حوزوی و دانشگاهی، از آنجا که اعتقاد ایشان این بود که برای ساختن جامعه اسلامی باید روی جوانان سرمایه‌گذاری کرد، لذا عمده فعالیت‌های فرهنگی و علمی ایشان در قم و تهران بر ارتباط با جوانان متمرکز می‌یافت. جاذبه خاصی که ایشان برای جوانان داشتند در اسناد ساواک نیز مشهود است و آنها نیز گزارش داده‌اند که در جلسات سخنرانی دکتر مفتاح در شهرهای مختلفی مثل آبادان، خرمشهر، دماوند، کرمان و اهواز همواره جوانان زیادی حاضر می‌شدند و این مسئله موجب تشدید حساسیت ساواک می‌شد.

ارتباط شهید مفتاح با شهید بزرگوار بهشتی به دوران تبلیگی باز می‌گردد. ایشان هر دو از شاگردان مرحوم آیت‌الله داماد (ره) بودند و در جمع شاگردان آن مرحوم، یعنی شهید بهشتی، امام موسی صدر، آیت‌الله سید موسی شبیری و ... ارتباطات علمی، فکری و فراوانی برقرار بود. پس از آن هم در حلقه شاگردان خصوصی علامه طباطبایی (ره) بودند و به جلسات فلسفه ایشان می‌رفتند. شرکت ایشان در جلسات درس حضرت امام (ره) و آیت‌الله بروجردی (ره) با تحصیل در دانشکده الهیات همزمان بود. شهید مفتاح در مقدمه پایان‌نامه دکترای خود که به عنوان «حکمت الهی در نهج البلاغه» چاپ شده است، اشاراتی به «دولت همفکر خود» دارند که منظور ایشان شهید بهشتی است. این دو در فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی در حوزه قم نیز فعالیت‌های مشترکی داشتند، مثل مدرسه علمیه حقانی، مدرسه دین و دانش، انجمن اسلامی دانش‌آموزان و ...

بعدها هم که شهید بهشتی به آلمان رفتند، این ارتباط از طریق نامه برقرار بود و پس از برگشت شهید بهشتی از آلمان و سکونت ما در تهران، چند سال با هم همسایه بودیم و ارتباط آن دو شهید بیشتر شد تا سالهای نزدیک به انقلاب که جلساتی برای تحقیق و تألیف کتب علمی داشتند و در جریان نهضت نیز در تأسیس شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز تهران همگام بودند.

ملاکهای شهید مفتاح در زندگی خانوادگی، دیانت، صداقت، نجابت و قناعت بود. ایشان معتقد بودند که زندگی باید در چهارچوب دستورات الهی باشد و این معنا در تمام امور زندگی ما محسوس بود، چه از طرف ایشان و چه از نظر انتظاراتی که از من داشتند. ما سعی می‌کردیم که به گونه‌ای عمل کنیم که مورد رضایت خداوند باشد و این اصل، حاکم بر تمام مراحل زندگی و تربیت فرزندانمان بود. بعد از ایشان نیز من همان راه را ادامه دادم و به لطف خداوند فرزندانمان همگی تحصیلات عالیہ دارند و با ایمان و تقوای کامل خدمتگزار جامعه اسلامی هستند.

همکاری من با ایشان در مبارزات سیاسی، غیر مستقیم بود، زیرا با توجه به مشغله فراوانی که ایشان داشتند، نگهداری از بچه‌ها و رسیدگی به امور منزل به عهده من بود و همواره سعی می‌کردم ایشان با آرامش خاطر به مسائل اجتماعی و فعالیت‌های سیاسی و مبارزه علیه رژیم شاه بپردازند. با توجه به سختی‌های خاصی که در طول مبارزات سیاسی برای افراد مبارز پیش می‌آمدند، من نه تنها مخالف فعالیت‌های ایشان نبودم، بلکه زمینه‌های لازم را برایشان فراهم می‌کردم. ایشان هم در منزل از هیچ‌گونه همکاری دریغ نداشتند و به تمام مسائل ریز زندگی و تربیت و تحصیل فرزندانم رسیدگی کامل می‌کردند.

شیوه تربیت ایشان بر مبنای تربیت اسلامی و به صورت تذکرات غیر مستقیم بود. ایشان با عمل سنجیده و عطوفت فراوان و رفتار دقیق، برای فرزندانمان الگوسازی می‌کردند. شهید مفتاح نسبت به تأمین نیازهای روحی بچه‌ها بسیار دقت داشتند تا جایی که با وجود مشغله بسیار زیاد، برای تفریح فرزندان هم وقت می‌گذاشتند. در مورد تحصیل دختران اعتقاد داشتند که چون دختران، مادران آینده هستند، بنابراین باید تحصیل کنند و با حفظ شئون اسلامی برای جامعه مفید باشند و فرزندان خوبی نیز تربیت کنند، لذا با ادامه تحصیل دختران بر رعایت اصول اسلام موافق بودند.

شهید مفتاح اعتقاد داشتند که واحد اصلی تشکیل دهنده جامعه، خانواده است و باید نسبت به خانواده احساس مسئولیت کرد، به همین دلیل خود نیز اهمیت زیادی به خانواده و تربیت و تحصیل فرزندان می‌دادند و در تصمیم‌گیری‌ها و مسائل خانواده با فرزندان مشورت می‌کردند. مبنای برخورد ایشان با فرزندان، حس اعتماد بود و ایشان همواره نسبت به فرزندان اظهار اعتماد کامل می‌کردند، اگر چه به صورت غیرمستقیم حرکات و اعمال فرزندان را دقیقاً زیر نظر داشتند و در کمال عطوفت و مهریانی اشتباهات احتمالی‌شان را تصحیح و آنها را راهنمایی می‌کردند. تأکید ایشان بر این بود که فرزندان باید خودشان در مسایل مختلف به نتیجه برسند و راه را انتخاب کنند، زیرا می‌دانستند آن چه که تحمیلی باشد، پایدار نخواهد بود، بنابراین آنان را فقط راهنمایی و به طور غیرمستقیم و بدون تحمیل نظرشان، به راهی که می‌خواستند هدایت می‌کردند.

اولین اصل حاکم بر اعمال ایشان رضایت الهی بود. از آن جا که خودشان پایه زندگی را بر دیانت، صداقت، نجابت و قناعت استوار کرده بودند، دوست داشتند که فرزندانمان نیز همین مبنا را سرلوحه زندگی خویش قرار دهند. در مورد ازدواج دخترانمان، آن چه مدنظر داشتند، دیانت و حسن خلق داماد بود و به امور مالی، به عنوان عاملی تعیین‌کننده